

عمانی‌ها می‌گویند مذاکرات سه‌شنبه پیشرفت‌های محسوسی داشته است

چند گام روبه جلو در ژنو



علی لankaraniخبرنگار گروه سیاست

ساعت ده صبح روز گذشته (شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴) هیئت ایرانی به محل مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا در محل سفارت عمان در ژنو رسید. هیئت نمایندگی ایران با ترکیبی کامل هم در «حوزه اقتصادی» و «رفع تحریم‌ها» و هم در «حوزه فنی و موضوعات هسته‌ای» و هم «مباحث حقوقی» به مذاکره با طرف آمریکایی پرداخت.

اساسی‌ترین تفاوت این مذاکرات با ادوار پیشین حذف عنصر فافلگیری است. طبق تأکید مقامات بلندپایه کشور، تهران برای هر سناریویی آمادگی کامل دارد و ارکان قدرت ضمن توجه به بدعهدی‌های ایالات متحده، برنامه‌های خود را به نتیجه مذاکرات گره زده‌اند.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و رئیس دستگاه دیپلماسی، پس از پایان دومین دور از گفت‌وگوهای غیرمستقیم تهران و واشنگتن با اشاره به حضور رافائل گروسی، مدیر کل آژانس انرژی اتمی در ژنو، گفت: «در ابعاد فنی بحث‌های خوبی با گروسی انجام شد. گروسی همچنین با هیئت آمریکایی گفت‌وگو داشت.» حضور گروسی در این دور از مذاکرات و گفت‌وگوهای جداگانه با نمایندگان ایران، آمریکا و عمان را می‌توان نشانه‌ای از جدیت و فنی‌بودن مذاکرات جاری دانست.

وزیر امور خارجه نیز اشاره کرد که در این دور نسبت به دور گذشته بحث‌های «کاملاً جدی‌تری» مطرح شد و فضای «سازنده‌تری» وجود داشت. او از ارائه «ایده‌های مختلف» پرده برداشت و تشریح کرد «نه‌ای‌تا توانسیم برای یک‌سری اصول راهنما به موافقت کلی برسیم که از این‌پس بر اساس آن اصول حرکت خواهیم کرد و وارد تدوین متن یک توافق احتمالی خواهیم شد.»

نقشهٔ راه روشن‌تر شد؟

رئیس هیئت نمایندگی ایران در ژنو توضیح داد که تفاهم طرفین روی برخی اصول کلی، به این معنا نیست که توافق به‌سرعت انجام خواهد شد؛ اما عراقچی توضیح داد که «حداقل مسیر شروع شده است.»

عراقچی طی سفر خود به ژنو تأکید زیادی بر زمان داشته است. او پیش از مذاکره اشاره کرده بود که دستگاه دیپلماسی حاضر است در صورت جدیت طرف مقابل زمانی طولانی در سوتیس بماند تا بحث بر سر چالش‌ها و مشکلات به‌صورت مسالمت‌آمیز پیش برود. وزیر امور خارجه پس از خروج از محل سفارت عمان

«فرهیختگان» از کابوس آمریکایی‌ها گزارش می‌دهد

از سلاح‌های ناوگش ایرانی چه می‌دانیم



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

امپراتوری‌ها هر چه قدرتمند باشند، تک اشتباهاتی می‌تواند آن‌ها را از اعتبار بیندازد. تاریخ درس‌های بزرگی از افول امپراتوری‌های سلطط مانند اسپانیا و تضعیف ابهت امپراتوری‌هایی مانند روسیه دارد که با اشتباهاتی کوتاه‌مدت موقعیت برتر خود را از دست دادند.

آمریکا که خود زخم خورده اشتباهاتش در اوایل قرن بیست و یکم است، در نوبتی جدید اما تاوانی به مراتب کمتر در حال ماجراجویی و تهدید است. گسیل جنگنده و سوخت‌رسان به پایگاه‌های زمینی و اعزام ناو هواپیمابر برای تهدید ایران در وضعیتی انجام‌شده‌اند که تهران مسلح، دارای نفوذ منطقه‌ای و دارای اراده‌ای محکم است.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب روز گذشته طی دیدار مردم آذربایجان شرقی در برابر تهدیدات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تهدیدات متقابلی را مطرح کرده و در پاسخ به گسیل ناوهای هواپیمابر این کشور گفتند: «مدام می‌گویند ما ناو فرستادیم طرف ایران. خیلی خب، ناولی‌ت‌یک دستگاه خطرناکی است، اما خطرناک‌تر از ناو، این سلاحی است که می‌تواند دو ناو را به‌قدر دریا فروبرد.» ایشان پیش از تهدید به غرق‌کردن ناوهای هواپیمابر آمریکا به‌عنوان نماد قدرت این کشور به واشنگتن گوشزد کردند هرگونه جنگ افروزی آتی این کشور به معنای وقوع جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

این مواضع نشان‌داد ایران در هرگونه جنگ محتمل آتی قابل به «جنگ مدیریت شده» بوده و از همان ابتدا از پی واردکردن ضربات جدی و نهایی بر می‌آید؛ زیرا پیش‌ازاین فرض می‌شد با وقوع جنگ، تهران برای جلوگیری از تشدید، تنها با نبرد و شلیک مداوم در پی فرسوده کردن ناوهای هواپیمابر بر می‌آید تا آن‌ها همانند جنگ در یمن ناگزیر به عقب‌نشینی گردند.

سلاح‌های ضد ناو

ایران سلاح‌ها و راهکارهای متعددی برای ضربه به ناوهای هواپیمابر آمریکا دارد و بخشی از سناریوها و سلاح‌های آن در نبرد دریایی یمن با آمریکا به کار گرفته شدند که نتیجه آن آسیب، فرسایش و خروج ناوها از نبرد بود. در ادامه به تعدادی از سلاح‌های مناسب برای حمله به ناوگان آمریکا اشاره شده است.

۱پهپادشاهد۱۳۶

پهپاد انتحاری شاهد ۱۳۶، با قابلیت نصب دوربین، هدایت در طول مسیر، دقت در هنگام اصابت و حرکت گروهی در قالب دسته پهپادها یک سلاح ویژه برای گرفتار ساختن ناوگان آمریکا در منطقه است. حداکثر برد این پهپاد در نمونه‌های مختلف، ۹۰۰، ۱۵۰۰ و ۲۵۰۰ کیلومتر است. اخیراً بر روی انواع جدیدشاهد ۱۳۶، کلاهک‌سنگین وقوی‌تر و موتور پرسرعت نصب شده‌اند. تغییر کلاهک‌های ۵۰ کیلوگرمی به ۹۰ کیلوگرمی و تعویض موتور ملخی با موتور مینی جت، باعث تولید نمونه‌های جدیدی شده‌اند، به‌گونه‌ای که به شاهد با موتور مینی جت، شاهد-۲۳۸ گفته می‌شود. در امواج متعدد و در هر موج، پرتاب ۱۰۰ تا ۲۰۰ پهپاد به سمت ناو هواپیمابر، ضمن

ما عزاداری کردیم، شما کاسبی!

ادامه از صفحه یک

برای آن لحظه که پدرش می‌گوید «من هزار بار در ذختم عروسی‌اش را دیده بودم و الان در مورد نبودنش حرف می‌زنم»، چقدر می‌شود مُرد؟ عزادار که بماند! برای اکی‌لبر حسین‌زاده، داستان اسفراپن که رفته بود با اهل آشوب حرف زدند؛ اما او را هرماه دوسر بار فرازان‌ده زنده‌سوزان‌دند، چقدر باید عزا نگه کردیم؟ برای رد تن بی جان آن جوان که روی فرش مسجد پاک‌دشت مانده

نیز بر این موضع خود ایستادگی کرد و گفت: «امیدواریم هر چه زودتر این کار انجام‌شود و آمادگی داریم که برای آن وقت کافی بگذاریم.» با این حال طبق گفته وزیر خارجه قرار شد دو طرف مدتی روی متن‌های یک توافق احتمالی کار کنند، سپس این متن‌ها تبادل شود و بعد تاریخ دیگری برای دور سوم در نظر گرفته شود. عراقچی با این‌حال تأکید کرد که «وقتی به مرحله تدوین متن می‌رسیم، کار کمی مشکل‌تر و ریزتر می‌شود.»

عراقچی در ادامه اعلام کرد که پیشرفت خوبی نسبت به جلسه گذشته حاصل شده و اکنون مسیری روشن پیش روست که به نظر «مثبت» می‌رسد.

پیشرفت ملموس در مذاکرات

عمانی‌ها مشابه میزبانی از مذاکرات در مسقط، این‌بار با حضور خود در پایتخت سوتیس گفت‌وگوها میان ایران و آمریکا را میزبانی کردند.

وزارت امور خارجه عمان شامگاه سه‌شنبه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه این کشور پیش از آغاز مذاکرات که تحت نظارت سلطنت عمان برگزار شد، جلسه مشورتی با استیو یتکاف، فرستاده ویژه آمریکا و جارد کوشنر، داماد و مشاور ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ژنو برگزار کرده‌است. وزارت خارجه عمان همچنین نوشت که این جلسه شامل «بررسی جامع زمینه مذاکرات» و «بررسی الزامات موفقیت آن‌ها» از همه منظرهای سیاسی و فنی، با روحیه‌ای واقع‌بینانه و سازنده بود که نشان‌دستیابی به تفاهماتی را که در خدمت اهداف مذاکرات است، افزایش می‌دهد. این وزارت‌خانه در نهایت تأکید کرد مذاکرات روز گذشته با «پیشرفت ملموسی» به پایان رسید و راه را برای ادامه قریب‌الوقوع آن‌ها هموار کرد.

با سواس حقوق ایران را پیگیری می‌کنیم

اسماعیل بقای، سخنگوی وزارت خارجه پیش از اتمام مذاکرات اشاره کرد که طی دوروز گذشته (دوشنبه و سه‌شنبه)، چندین دور گفت‌وگوهای مفصل میان هیئت‌های حاضر شکل گرفته است؛ هم با بدرالبوسعیدی، وزیر خارجه عمان و هم با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس انرژی اتمی.

بقای تأکید کرد که دستگاه‌ها، نکات، ملاحظاته‌ها و نگرانی‌ها در حوزه «رفع تحریم» و «هسته‌ای» به طرف مقابل منعکس شده‌و از صبح روز گذشته رازینی‌هایی میان «وزیر خارجه عمان با طرف آمریکایی» و «مدیرکل آژانس با طرف آمریکایی» برگزار شده است.

بقایسی در ادامه افزود که در حوزه هسته‌ای و رفع تحریم وارد جزئیات و

ریزه‌کاری‌های فنی شده‌ایم و حضور شخص مدیرکل آژانس به‌عنوان نهاد متولی مباحث هسته‌ای هم در همین چهارچوب صورت گرفته و نقش او می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. علی‌رغم هج‌زمانی این نشست با مذاکرات مهم روسیه و اوکراین، سخنگوی دستگاه دیپلماسی صراحتاً ارتباط میان این دو مسیر را رد کرده و بر استقلال روند مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد.

بقایى در پایان در پاسخ به تحلیل‌ها درباره کارآمدی این شیوه مذاکره تأکید کرد هیئت ایرانی با وسواس و تعصب تخصصی، تنها بر احقاق حقوق ملت ایران متمرکز است.

مذاکره مستقیم در تنگه

رزمایش «کنترل هوشمند تنگه هرمز» که روز گذشته و هم‌زمان با مذاکرات ژنو با محوریت نیروی دریایی سپاه در منطقه راهبردی خلیج فارس و دریای عمان برگزار شد، به‌عنوان یک ابزار راهبردی در خدمت سیاست خارجی ایران قابل صورت‌بندی است.

این رزمایش درست‌زمانی به‌اجرا درآمده گفت‌وگوهای دیپلماتیک غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده در ژنو در جریان بود؛ هم‌زمانی‌ای که نشان‌دهنده پیوند محکم میان «میدان» و «دیپلماسی» در محاسبات کلان تهران است تا از آمادگی دفاعی به‌عنوان یک پشتوانه عملی برای تم مذاکره‌کننده بهره‌برداری شود. رزمایش اخیر در تنگه هرمز را می‌توان یک بیانیه راهبردی دانست که توازن جدید قاطر در منطقه را به‌تصویر می‌کشد. ایران با ترکیب هوشمندانه تحرکات میدانی و کنش‌های دیپلماتیک، نشان داد که از یک استراتژی منسجم برای حفظ منافع ملی خود برخوردار است.

انتخاب تنگه هرمز برای برگزاری این رزمایش، با توجه‌به نقش این آبراه به‌عنوان شریان اصلی انتقال انرژی جهان، حامل پیام‌های صریح ژنو پالیتیکی است. درحالی‌که ایالات متحده تلاش می‌کند با افزایش حضور نظامی و ناوگان‌های خود در منطقه، فشار روانی و سیاسی بر تهران وارد کرده و در میز مذاکره امتیاز بگیرد، ایران با نمایش اشراف اطلاعاتی و توان پاسخ‌دهی چندلایه، سعی در خنثی‌سازی این معادله دارد.

ایران با نمایش آمادگی یگان‌های عملیاتی و واکنش سریع، این پیام را به طرف مقابل مخابره کرد که در عین آمادگی برای تعامل و ارائه راهکارهای معقول، در برابر زیاده‌خواهی‌ها تسلیم نخواهد شد و برای هرگونه ماجراجویی نظامی، برنامه‌ریزی دقیق و آمادگی میدانی دارد.

بخش فنی رزمایش بر محور «کنترل هوشمند» استوار بود که نشان‌دهنده ارتقای



جنوب را هدف گیرد. خلیج فارس و فاتح مبین هر دو در دماغه کلاهک دارای دوربین هستند. دوربین فاتح مبین حرارت‌یاب بوده و در شب و آب‌وهوای نامساعد نیز کارایی دارد.

۵. موشک‌کروزایومهدی

موشک‌های کروز نسل قبل ایران بردی حداکثر ۳۰۰ کیلومتر دارند اما موشک‌ک ایومهدی که نسخه ضدکنشش موشک زمین‌به‌زمین سومار است، بردی برابر با ۱۳۵۰ کیلومتر دارد؛ هرچند برد آن همانند سومار می‌تواند به تقریباً دو برابر نخ فعلی و ۲۵۰۰ کیلومتر برسد. این موشک علاوه بر استقرار ساحلی، به‌راحتی روی ناوهای جنگی و شناورهای نظامی نصب می‌گردد.

۶. موشک قاسم بصیر

ایران سابقه شلیک موشک‌های میان‌برد به سمت دریا را دارد اما پس از آن، اطلاعات دقیقی از اهداف و برد اعلام نشد. ازاین‌رو داده قابل اتکایی وجود ندارد. آنچه در این میان قابل‌پیش‌بینی است، امکان رسیدن ایران به برد بالای هزار کیلومتر در موشک‌های بالستیک‌ضدکنشی است؛ چنین پیش‌بینی‌ای با در نظر گرفتن تولید موشک جدید قاسم بصیر امکان‌پذیر شده است. این موشک در پیامد درس‌های گرفته‌شده از عملیات وعده‌صادق-۲ طراحی شد. در وعده‌صادق-۲ با استفاده از موشک‌های پیشرفته‌تر، حمله موشکی به‌رادارها، هک و جنگال روی سامانه‌های پدافندی موشک‌های بیشتری اصابت کردند اما دو مشکل وجودداشت؛ گرچه سامانه‌های پدافند موشکی مختل شدند اما سامانه‌های جنگ الکترونیک رژیم صهیونیستی بر سیستم هدایت و هدف‌گیری نهایی کلاهک‌ها اختلال کردند. ازسوی‌دیگر دقت اصابت‌ها مطلوب نبود. برای فائق آمدن بر این دو مشکل، ایران تجهیزات اپتیکی بر کلاهک موشک‌های خود نصب کرد؛ این دوربین باعث می‌شد قریب و اختلال در مرحله شیرجه و در نزدیکی هدف بی‌اثر گردد، زیرا دوربین با تطبیق عکسی که از هدف داشت به سمت آن حرکت می‌کرد و جنگ الکترونیک رژیم باعث اختلال در موقعیت‌یابی نمی‌شد؛ اپتیک مزبور همچنین قابلیت هدف‌یابی بهتری را در اختیار می‌گذاشت تا دقت به میزان مطلوبی برسد.

در رونمایی از موشک قاسم بصیر مشخص شد بدنه موشک همانند موشک حاج‌قاسم است که خودشباهت‌هایی با پلتفرم شیرکین و دزفول دارد. بر اساس تصاویر و نام‌گذاری، قاسم بصیر نمونه ارتقا یافته نسبت به موشک حاج‌قاسم است که ارتقایر کلاهک و بانصب تجهیزات اپتیکی صورت گرفته‌است. موشک حاج‌قاسم بردی اعلامی معادل ۱۴۵۰ کیلومتر دارد که نشانگر بر نمادین در نشان دادن فاصله ایران تا تال آریو است. گفته می‌شود برد نهایی این موشک می‌تواند به ۱۸۰۰ کیلومتر برسد. یمن با استفاده از پلتفرم مشابه به برد ۲۱۵۰ کیلومتر دست یافته است. بردی که برای بصیر گمانه‌زنی شده ۱۲۰۰ کیلومتر است اما به نظر می‌رسد برد این موشک به‌راحتی به ۱۴۵۰ کیلومتر می‌رسد. کماکان اطلاعی از کارایی موشک مزبور در دست نیست. از این موشک چند ماه قبل از جنگ ۱۲ روزه رونمایی شد اما در جنگ مورد استفاده قرار نگرفت؛ یک احتمال عدم تولید انبوه و استقرار عملیاتی بود که قابل رد است زیرا موشک‌ها وقتی رونمایی می‌گردند که تولید انبوه شده‌اند، احتمال پررنگ‌تر وجود این موشک در شهرهای زیر زمینی پیشسر و در غرب کشور است که خط مقدم مقابله با رژیم بودند و بر همین مبنا اغلب موشک‌های بالستیک اصطلاحاً «اسرائیل‌زن» ایران در این پایگاه‌ها مستقر بودند و در پی عملیات هدف‌گیری ورودی‌ها، به‌طور موقت در پایگاه‌ها محبوس شدند.

با این‌وجود وزیر دفاع پس از جنگ ۱۲ روزه در تهدید رژیم بر اساس چهارچوب بازدارندگی، به عدم استفاده از قاسم بصیر در طول جنگ اشاره کرد تا بگوید

سطح فناوری‌های به‌کاررفته‌شده در نیروی دریایی است. در جریان این عملیات، تردد در تنگه هرمز برای ساعاتی متوقف شد و شناورها به‌مزم به توقف در پشت تنگه شدند تا مراحل اصلی مانور اجرا شود.

در حوزه تسلیحاتی، یگان‌های مختلف به تمرین سناریوهای پدافندی و آقندی پرداختند:

یگان‌های شناوری فوق‌سریع موشک‌انداز، عملیات‌های راهبردی تمرین کردند. نکته قابل توجه، شلیک موشک‌های نقطه‌زن از عمق خاک ایران، سواحل و جزایر خلیج فارس بود که اهداف تعیین‌شده را با دقت بالا در تنگه هرمز منهدم کردند.

یگان‌های پهپادی با استفاده از پهپادهای تهاجمی و شناسایی، عملیات در شرایط اخلال سیگنالی و جنگ الکترونیک را تمرین کردند. معنای توانایی اصابت دقیق به اهداف ثابت و متحرک در محیط‌های آلوده الکترونیکی، بیش از هر زمان دیگری برای نیروی مهاجم آشکار است.

تأکید بر استفاده از تجهیزات ساخت‌داخل در اوج تحریم‌ها، حامل این پیام است که اعمال محدودی‌های چندندهای نتوانسته‌اند مانع رشد توانمندی‌های دفاعی ایران شوند.

اظهارات فرماندهان حاضر در رزمایش، به‌ویژه در یادار تنگسیری، حاوی هشدارهای جدی به طرف‌های متخاصم بود. وی صراحتاً اعلام کرد که آمادگی کامل برای «بستن تنگه هرمز» در صورت تصمیم مقامات عالی نظام وجود دارد. همچنین، اشاره به این نکته که تسلیحات مورد استفاده در جنگ واقعی، متفاوت و پیشرفته‌تر از آن چیزی است که در رزمایش‌ها به نمایش درمی‌آید، لایه‌ای از «ابهام راهبردی» را ایجاد می‌کند که خود عاملی برای بازدارندگی است.

هم‌رفع تحریم، هم انتفاع اقتصادی

در مجموع تیم ایرانی به‌منظور بحث بر سرر موضوع هسته‌ای و گرفتن امتیاز اقتصادی، مذاکره غیرمستقیم با آمریکا را پذیرفته است. مشخص است که تهران پیش‌بشهادت تحت عنوان تحویل اورانیوم در برابر رفع تهدید را نپذیرفته و این موضوع در دستور کار نیست. تجربه مذاکرات گذشته نشان داده که هرگاه توافق‌ها فاقد تضامین عینی و سازوکارهای اجرایی دقیق بوده‌اند، طرف آمریکایی با تغییر مواضع علنی خود مسیر تعهدات را منحرف کرده است. از همین رو، در دور جدید گفت‌وگوها تأکید اصلی تهران بر تثبیت حقوق هسته‌ای کشور در کنار انتفاع اقتصادی ملموس است.



در جنگ آتی تهران با به‌کارگیری آن تل آریو را در محذورت قرار می‌دهد. این توصیفات حکایت از آن دارد که موشک قاسم بصیر توانمندی‌های بزرگی را لحاظ دقت دارد. این موشک به فاتح مبین شباهت دارد ولی بردی دو تا سه برابر بیشتر دارد. قاسم بصیر در برابر اهداف ثابت زمینی کارآمد است زیرا مختصات هدف پیش از حرکت در اختیارش قرار می‌گیرند اما با روش‌هایی می‌توان آن را در برابر اهداف متحرک دریایی به کار گرفت. ارائه مختصات حدودی ناوگان آمریکایی پیش از حرکت و ارائه موقعیت دقیق به‌وسيله پهپادهای شناسایی- رزمی می‌تواند مشکلات هدف‌یابی را کاهش دهد. روش مکمل استفاده از کلاهک‌های بارشی برای تضمین خسارت است.

نمونه‌های تاریخی شکست امپراتوری‌ها

تاریخ مملو از جنگ‌هایی است که طی آن امپراتوری‌های بزرگ و مسلط، با شکست ستاره اقبالشان افول کرده است؛ آن‌ها ضرورتاً پس از جنگ به‌سرعت دچار فروپاشی نشده‌اند، اما نسبت به موقعیت قبلی تنزل قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند. باتوجه‌به تهدیدات دریایی آمریکا، شاید بهتر باشد دو نمونه از شکست‌های دریایی امپراتوری‌ها مورد بررسی قرار گیرند.

۱. نبرد آرامادای

امپراتوری اسپانیا در قرن پانزدهم با اشغال بخش‌های وسیعی از قاره آمریکا به وسعت، قدرت و ثروت زیادی رسید. در آن دوره حتی پرتغال با این امپراتوری قابل مقایسه نبود. این امپراتوری ورای جغرافیای اسپانیا در دیگر نقاط اروپا دارای سرزمین بود. در اواخر قرن شانزدهم اسپانیا برای حفظ دریایی‌های خود در هلند با انگلیس که در آن دوره قدرت چنان‌بی به حساب نمی‌آمد و دولتی با توانایی محلی بود دیگر ششید. در یک نبرد دریایی که به اسم ناوگان دریایی اسپانیا نام‌گذاری شده، عمده ناوگان دریایی این کشور از دست رفت. امپراتوری جهانی اسپانیا پس از این جنگ در اواخر قرن شانزدهم تا اوایل قرن نوزدهم به مدت سه قرن برپا بود اما جایگاه دست‌یافتنی‌اش پس از نبرد آرامادای در اروپا و سپس مستعمرات از دست رفت و دیگران نیز وارد معادلات شدند.

۲. جنگ ۱۹۰۵ روسیه و ژاپن

امپراتوری تزاری با بلعیدن خاور دور شامل سرزمین‌های سابق چین و کره، آسیای میانه، قفقاز و شرق اروپا، فلانلد و نیمی از لهستان را هم در اختیار داشت و به همین دلیل وسعتش از دوره شوروی بیشتر بود. روس‌ها در ادامه تصرفات خود در خاور دور قصد تثبیت در منطقه مهم، آبد و پرجمعیت منچوری را داشتند که امروز بخش مهمی از چین به‌شمار می‌رود. آن‌ها همچنین خواهان نفوذ در شبه‌جزیره کره بودند. این پیشروی‌ها با طلع ژاپن و خروج این کشور از انزوا هم‌زمان شد و دو قدرت به تقابل رسیدند. ژاپن به منطقه نزدیک‌تر بود اما روس‌ها با وجود ارتش مجهزتر، بر تعداد و کارآمدتر راه‌دشواری برای اعزام قرای خود به این منطقه جهت روبرواری با ژاپن داشتند. روسیه با محدودیت و شکست ناوگان خاور دور خود تصمیم گرفت ناوگان دریای بالتیک خود را که در شمال اروپا مستقر بود به منطقه اعزام کند. مسیر حرکت این ناوگان طولانی و دشوار بود و بدتر آنکه این ناوگان غم‌دهنده و فرسوده با ورود به منطقه کمین خورده و از بین رفت. این شکست اثر بدی بر روحیه و توانایی روس‌ها داشت و منچوری از دست رفت. پیامدهای کلی جنگ زبان‌بار بودند؛ نیروی دریایی روسیه در خاور دور تضعیف شده بود و حالا قلب و بدنه اصلی ناوگان این کشور که در بالتیک مستقر بود از بین رفت. این شکست به از دست‌رفتن منچوری متصل گشت و آنچه تبعات را عقی می‌بخشید، شکست در برابر کشوری بود که پیش از آن یک قدرت تلقی نمی‌شد.

همین هم آمار نجومی از مرگ ملتی دادند که ریختن یک خوششان هم زیاده

است. زمان حمله اسرائیل به ایران و زمان هر حمله تروریستی دیگر علیه مردم ایران هم عزادار نبودند و فقط وقتی عزادار می‌شوند که از سر این عزاداری، آب سیاست‌بازان گرم شود. باید به جماعت برانداز و سلطنت‌طلب بگویم نقاب عزاداری را از صورتان زنده صلبی سیاست‌بازان می‌آید. رد نقاب از پشت نقاب پنداست. مردم را کشیدند، عزای‌شان را دیگر نندزدید!

مال مردم. برای همه تکه‌های آسفالت شهر که رد سوختن یک تن زنده بر آن ماند، برای ده‌ها قرآنی که ورق ورق سوختند، برای صریح سبزیقای دزفول که کندند و آتش زدند؛ برای همه خیابان‌هایی که شبیه شهرهای جنگ‌زده شدند. با جهان باقی است، رد این داغ‌ها بر سینه ماست، به روز و هفته و ماه و سال نیست. تازه از نظر پهلوی چی‌ها و رسانه‌های غربی، کم کشنده‌اند باید چند برابر این آدم می‌کشند تا بتوانند غرب را راضی کنند به ایران حمله کند؛ برای

بود، برای آن سرباز رودباری که اگر می‌گذاشتند به مرکز درمانی برسد، زنده می‌ماند، برای بیوه‌شدن این هم‌زن، برای سر بریده‌موظمانمان، برای بدن‌هایی که با فراخوان پهلوی سلاخی شد، چند روز باید عزانگه‌داریم؟ ما اگر قرار باشد عزا نگه داریم، باید چهار هزار روز برای چهار هزار جلد کتابی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نشرپاورسوزانند، عزانگه‌داریم؛ برای ده‌ها مسجد سوخته، برای حسینیه‌ها آتش‌زده، برای هزاران هزار آسیب به جان و

فرهیختگان

فرهیختگان



چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۳۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

